



بیانات در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز - 28 / بهمن / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز تبریزی و آذربایجانی؛ و تشکر میکنم از اینکه شما برادران و خواهران عزیز، رنج سفر و این راه طولانی را در این روزهای سرد زمستان تحمل کردید تا فضای حسینیه‌ی ما را در این روزهای مهم تاریخی، گرم و پرشور کنید. از همه‌ی برادران و خواهران صمیمانه متشکرم؛ بخصوص از خانواده‌های معظم شهیدان، علمای اعلام، مسئولان بلندپایه، و از امام جمعه‌ی محترم تبریز جناب آقای شبستری که حقاً و انصافاً تلاشهای ارزنده‌ای را درخور این شهر بزرگ و این استان با عظمت انجام داده‌اند و انجام میدهند. يك جمله در آغاز عرایض عرض کنم و آن، تشکر از ملت بزرگ ایران به خاطر شکوهی که در روز بیست و دوم بهمن از خودشان و عظمتی که از اقتدارشان نشان دادند. زبان از توصیف و تقدیر و تشکر عاجز است. در درجه‌ی اول باید جبهه‌ی سپاس و ستایش در مقابل پروردگار عالم به خاک بساییم که محوّل دلها و مقلّب نیتها و عزمها است و همه چیز با اراده‌ی پروردگار است، و در درجه‌ی بعد، از آحاد گسترده‌ی ملت ایران در سرتاسر کشور به خاطر اینکه روز بیست و دوم بهمن را این جور زنده، برجسته، شکوفنده به دنیا نشان دادند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. بعد برمیگردم اشاره‌ای باز به مسائل بیست و دوم بهمن خواهم کرد.

اجتماع امروز ما و دیدار ما با شما عزیزان تبریزی و دیگر شهرهای آذربایجان، به مناسبت بیست و نهم بهمن است. بیست و نهم بهمن يك اسم فقط نیست، يك روز از قبیل روزهای دیگر نیست؛ يك حادثه نیست. بیست و نهم بهمن یعنی آن واقعه و حادثه‌ای که در سال ۵۶، در يك چنین روزی - یعنی در روز بیست و نهم بهمن - پدید آمد [که] يك حادثه بود با چندین معنا. جوانهایی که در مجلس تشریف دارید - عزیزان من، فرزندان من - بیست و نهم بهمن را خیلی از شما ندیدید، [اما] درس بیست و نهم بهمن همچنان زنده است، عبرتهای بیست و نهم بهمن همچنان زنده است.

چند معنا در این حادثه‌ی بزرگ وجود داشت: اول، نشان دادن و منعکس کردن ویژگی‌های اخلاقی و خصلتی مردم تبریز و مردم آذربایجان؛ این خیلی مهم است. ما باید خودمان را با خصلتهایمان، با خصوصیات اخلاقیمان بشناسیم. دیگران می‌نشینند اخلاقیات ایرانی‌ها را همراه با تحریف، همراه با کوتاه‌بینی برای ما مینویسند! ما خودمان را باید در آینه‌ی این حوادث، درست بشناسیم. در این حادثه‌ی بیست و نهم بهمن، مردم تبریز این خصلتها را از خودشان نشان دادند: اولاً ایمان عمیق دینی؛ ثانیاً غیرت دینی؛ ثالثاً شجاعت؛ پس از اینها، مسئله‌ی موقع‌شناسی، و درک درست حوادث؛ اینها خیلی مهم است برای يك مجموعه‌ای، برای يك جمعیتی که باایمان باشند، شجاع باشند، قدرت اقدام داشته باشند و وقت اقدام را [هم] بدانند. زودتر و دیرتر از زمان مناسب، اقدام، اثربخش نیست. تبریزی‌ها درست در وقت خود، بیست و نهم بهمن را پدید آوردند و خلق کردند؛ این خصوصیات، خیلی مهم است. تبریز و آذربایجان این خصوصیات را قبل از بیست و نهم بهمن هم داشت و تا امروز هم دارد - حوادث بعدی هم این را نشان داده است - اینها را باید حفظ کرد. ایمان اسلامی، غیرت ایمانی، شجاعت، اهل اقدام بودن، پیشرو بودن، صف‌شکن بودن، کارهای برجسته و نوآوری در راه اهداف والا انجام دادن، زمان را شناختن، موقعیت را شناختن، و کار متناسب با موقعیت را انجام دادن، یکی از برکات و آثار بیست و نهم بهمن بود که خصلتهای برجسته‌ی مردم تبریز و آذربایجان را در آینه‌ی تاریخ مجسم کرد.

نکته‌ی دوّمی که در بیست و نهم بهمن هست، نشان دادن این حقیقت است که پیوستگی بخشهای مختلف کشور به یکدیگر، چقدر بابرکت است. قم کجا، تبریز کجا؟ حادثه‌ای در قم اتفاق افتاده است؛ (۱) خب، آن کسانی که این حادثه را به وجود آوردند، خواستند نگذارند این حادثه زنده بماند، باید فراموش بشود؛ ناگهان از يك نقطه‌ی دوردست



از قم، یعنی از تبریز، مردم به پا میخیزند و آن حادثه‌ی قم را زنده نگه میدارند. این جور نبود که چهلّم [حادثه‌ی نوزدهم دی] را خود مردم قم بگیرند، تبریز گرفت. دستگاه جبار و طاغوت، متوحّش شد، عکس‌العمل ناشیانه‌ای در مقابل مردم تبریز انجام داد، عده‌ای شهید شدند. تبلیغاتی که آن روز کردند، تبلیغات بسیار ناشیانه و غلطی بود؛ خواستند ماست‌مالی کنند. قضیه‌ی گذشت، چهلّم مردم تبریز را مردم یزد به‌پاداشتند. ببینید، این پیوستگی بخشهای مختلف کشور [است]؛ بعد این تسلسل راه افتاد. مبتکر شماها بودید در اقامه‌ی اربعین‌های شهیدان انقلاب، بعد این جریان به راه افتاد؛ یزد و شیراز و بوشهر و بقیه‌ی نقاط کشور. این هم نکته و مسئله‌ی دوّم از مسائل بیست‌ونهم بهمن. نکته‌ی سوّم این است که اگر آن روز به مردم قم در نوزدهم دی یا به مردم تبریز در بیست‌ونهم بهمن میگفتند که این حرکت شما به يك انقلاب عظیمی منتهی میشود، کسی باور نمیکرد؛ اما شد. این نشان‌دهنده‌ی این است که اگر ملّتی همّت کند، پا در صحنه بگذارد، عقب‌نشینی نکند، کوه‌ها را میتواند جابه‌جا کند، معجزاتی میتواند به‌وجود بیاورد، و این معجزه به وقوع پیوست. عزیزان من، جوانها! فکر کنید، مطالعه کنید بر روی حادثه‌ی پدید آمدن انقلاب. شبیه‌ترین حادثه به معجزات انبیا، این حادثه‌ی پیروزی انقلاب بود. مگر در مخیله‌ی کسی می‌گنجید ملّت يك کشور تحت سلطه‌ی آمریکا، اسیر فرهنگ غربی، اقتصاد بکلی در مشت دشمنان قدرتمند بین‌المللی، از لحاظ نظامی ضعیف، از لحاظ حیثیت بین‌المللی منزوی، بلند شوند علیه همه‌ی نمادهای قدرت پوشالی مادّی، و پرچم اسلام را بلند کنند در دنیای مادیگری، در مقابل شرق و غرب - آمریکا و شوروی در صد مسئله با هم اختلاف داشتند، اما در يك مسئله با هم اتفاق داشتند، و آن يك مسئله عبارت بود از زدن انقلاب اسلامی - بایستد، پیروز بشود، موفق بشود، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند! چه کسی باور میکرد؟ اما شد و این درس است. یکی از درسهای بیست‌ودوّم بهمن شما به خود شما، به ما، به همه‌ی ملّت ایران، این است که بدانید هیچ حادثه‌ی بزرگی، هیچ مانع بزرگی، هیچ قدرت بزرگی وجود ندارد که بتواند در مقابل اراده‌ی راسخ يك ملّت مقاومت کند. حرف زیاد است در مناقب بیست‌ونهم بهمن و مناقب مردم آذربایجان و مردم تبریز. بعد از آن، تا امروز همان نفس، همان روحیه، همان احساس تکلیف و احساس مسئولیت و تعهد و انگیزه در مردم آذربایجان وجود داشته است و تبریزی‌ها درخشیده‌اند در حوادث گوناگون؛ و این درسها را باید حفظ کرد و باید به‌یاد داشت.

عرض کردیم: اول، شناخت خصوصیات و خصلتهای بومی خود؛ دوّم، ارتباط و اتصال بخشهای گوناگون کشور با یکدیگر؛ که این نکته، نکته‌ای است که دشمنان روی آن انگشت می‌گذارند. میخواهند اقوام ایرانی را که همه برادروار، دست‌درست هم در همه‌ی حوادث با یکدیگر بوده‌اند، در مقابل یکدیگر قرار بدهند؛ این را همه‌ی ملّت ایران بدانند. ترک داریم، عرب داریم، فارس داریم، لر داریم، بلوچ داریم، کرد داریم، ترکمن داریم، انواع و اقسام اقوام در ایران پراکنده‌اند؛ يك خصوصیت امروز بر همه‌ی اینها حاکم است و آن، حاکمیت ایران اسلامی است که همه‌ی اینها را زیر پرچم اسلام و مفاخر اسلامی و نام زیبای ایران جمع کرده؛ امروز تلاش میشود اینها را از هم جدا کنند. بدانند همه، هوشیار باشیم همه، کسانی نشستند دارند طراحي میکنند که اقوام ایرانی را در مقابل هم قرار بدهند؛ پیام اتحاد، همدلی، همدردی، همگامی بیست‌ونهم بهمن از یادمان نرود؛ این، نکته‌ی دوّم. نکته‌ی سوّم هم معجزه‌ی اراده‌ی ملّت.

برگردم حالا به مسئله‌ی بیست‌ودوّم بهمن و مسئله‌ی انقلاب که مسئله‌ی دیروز و امروز و همیشه‌ی ما است. بیست‌ودوّم بهمن هر سال شورانگیزتر از سال قبل، خود را نشان داده است. افرادی تحلیل‌های گوناگونی میکنند؛ این تحلیل‌ها در واقع در يك خلأ انجام می‌گیرد [که] می‌نشینند با خودشان فکر میکنند؛ متن واقعیت مردم حرف دیگری می‌زند. کسانی که می‌نشینند با دقّت، با ملاحظه‌ی سطوح خیابانها، بعضی با دوربینهای مشخص، جمعیت‌ها را اندازه می‌گیرند، گزارشهای متعدّدی به ما دادند که سال گذشته - سال ۹۱ - جمعیت به میزان قابل توجهی از سال قبل بیشتر بود؛ امسال همان افراد و همان کسانی که این محاسبات دقیق یا نزدیک به دقیق را انجام میدهند، گزارش



دادند که امسال از سال گذشته هم جمعیت متراکم‌تر بود. این حرف [که] بر زبانها تکرار میشود، ممکن است کسی خیال کند که لقلقه‌ی لسان است که "هر سال از سال قبل بهتر"؛ اما نه، واقعیت است. خوب، این واقعیت چه چیزی را به ما نشان میدهد؟ تشخیص این حقیر این است که جشن سالگرد انقلاب هم مثل خود انقلاب یک پدیده‌ی بی‌نظیر است. یعنی چه؟ [یعنی] همچنان که انقلاب ما به اعتراف حتی دشمنان، در طول تاریخ انقلابها نظیر نداشت از جهات مختلف، بزرگداشت سالگرد این انقلاب هم در هیچ‌جا دنیا نظیر ندارد. معمولاً سالگرد انقلابهای کشورهای گوناگون را که ما در تلویزیون و در خبرها دیده بودیم، یک مراسم خشک رسمی - بعد از گذشت دو سال، سه سال، چهار سال - برگزار میشد. اینجا این مسئله نیست؛ ملت جشن میگیرد؛ نه فقط در تهران، در همه‌ی مراکز استان؛ نه فقط در مراکز استان، در همه‌ی شهرستانهای کشور؛ نه سال اول و دوم و پنجم و دهم، سال سی و پنجم. این پدیده‌ی عجیبی نیست؟ ۳۵ سال از انقلاب گذشته است؛ آن کسانی که سال اول انقلاب متولد شدند، امروز مردان و زنان ۳۵ ساله‌اند - از دوره‌ی جوانی هم تقریباً عبور کرده‌اند - در عین حال سالگرد انقلاب، همه‌سال با انگیزه، با احساس استقامت، با وفاداری نسبت به آرمانهای انقلاب، با قدرت و شوکت تکرار میشود؛ این عجیب نیست؟ بگذارید رسانه‌های دشمن در زبان، هر کار میخواهند بکنند بکنند، [اما] اتاقهای فکرشان میفهمند در اینجا چه خبر است. آنهایی که نشسته‌اند و مطالعه میکنند، میفهمند که با این ملت، با این انقلاب، با این انگیزه، با این ایمان نمیشود مقابله کرد.

شعارهایی که مردم میدهند، چه جور شعارهایی است؟ شعارهای ایستادگی در خط مستقیم و صراط مستقیم انقلاب - همه‌جا همین است دیگر - در سراسر کشور، شعارها شعارهای ایستادگی است؛ یعنی مردم با راهپیمایی بیست و دوم بهمن، این حقیقت را نشان میدهند که خدای متعال به وعده‌ی خود عمل کرده است که فرمود: *ان تصبروا الله ینصركم و ینبئت اقدامکم*؛ (۲) خدای متعال قدمهای شما را ثابت میدارد؛ گامهای شما را استوار میدارد؛ نمیگذارد شما مجبور به عقب‌نشینی بشوید. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده‌ی الهی در مورد ملت ایران تحقق پیدا کرده است؛ دین خدا را نصرت کردید، خدای متعال ثبات قدم به شما داد. این جشن ۳۵ سالگی امسال، ثبات قدم را میگوید.

خب، پیام این جشن چیست؟ نگاه کنید به شعارهای مردم، پیام را از شعارهای مردم باید گرفت. آن طوری که بنده نگاه میکنم، دو پیام در این راهپیمایی‌های بیست و دوم بهمن وجود داشته است: یکی پیام استقامت، یکی پیام وحدت. استقامت یعنی چه؟ یعنی ملت ایران بر روی آرمانهای انقلاب ایستادگی دارند. ما آرمانهای ایجابی هم داشتیم، آرمانهای سلبی هم داشتیم؛ آرمانهای ایجابی ما عبارت بوده است از اینکه: ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی میدانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته‌ی به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم؛ ما دنبال پناه دادن به مظلوم و مقابله‌ی با ظالم هستیم؛ ما دنبال پیشرفت کشور هستیم؛ ما دنبال برجستگی علمی کشور هستیم؛ میخواهیم کشورمان در علم، در اقتصاد، در فرهنگ، در امور اجتماعی، در اخلاق، در معنویت، پیشرو و پیش قدم باشد؛ پیامهای مثبت ایجابی انقلاب ما اینها است. یک پیامهای سلبی هم انقلاب داشت؛ پیام سلبی انقلاب این است که: ما تسلیم زورگویی نمیشویم، تسلیم باج‌خواهی نمیشویم، تسلیم نظام سلطه نمیشویم.

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست یافته‌ی به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال اینها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است. ملت ایران در انقلاب گفت، در حوادث بعدی گفت، در جنگ تحمیلی گفت، در این بیست و دوم بهمن گفت: ما تسلیم زورگویی و باج‌خواهی آمریکا نخواهیم شد. یک عده سعی نکنند چهره‌ی آمریکا را بزرگ کنند، آرایش کنند، زشتی‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها و خشونت‌ها را از چهره‌ی آمریکا بزدايند در



مقابل ملت ما، به عنوان يك دولت علاقه‌مند، انسان دوست معرفی کنند؛ اگر سعی هم بکنند، سعی‌شان بی‌فایده است. در طول تاریخ اقله هفتاد هشتاد سال اخیر - البته قبل هم خیلی حرفها در تاریخ آمریکا هست [که] نمیخواهیم حالا وارد آن حرفها بشویم - شما نگاه کنید در دنیا، ببینید آمریکا چه کار کرده؟ جنگهایی که آمریکا به راه انداخته است، انسانهای بی‌گناه و غیرنظامی‌ای که در این جنگها و در غیر این جنگها به خاک و خون کشانده است؛ دیکتاتورهایی که در شرق و غرب دنیا مورد حمایت آمریکا قرار گرفته‌اند - یکی از آنها محمدرضای پهلوی ایران بود و ده‌ها نفر از قبیل او در کشورهای آسیایی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آمریکای لاتین، از نظامی و غیرنظامی - و سالهای متمادی به مردم خودشان ظلم کردند، خون مردم را به شیشه کردند، ثروتهای مردم را غارت کردند، پدر مردم را درآوردند. حمایت از اینها در کارنامه‌ی عمل آمریکا وجود دارد. حمایت از تروریسم بین‌الملل و حمایت از تروریسم دولتی؛ این دولت جعلی جنایتکار صهیونیستی که غاصب فلسطین است، ده‌ها سال است که مورد حمایت آمریکا است؛ مردم را میکشد، خانه‌ها را خراب میکند، ظلم میکند، جوانها را، زنها را، مردها را، کودکان را به زندان و حبس میکشاند؛ به بیروت حمله کردند، صبرا و شتیلا را نابود کردند، چه، چه؛ همه مورد حمایت آمریکا است. اینها در سیاهه‌ی اعمال آمریکا ثبت است. حمله‌ی به عراق و کشتن ده‌ها هزار انسان - آمارها را ما دقیق نمیدانیم، بلکه گفته میشود تا حدود يك میلیون عراقی را در طول این چند سال اینها مستقیم و غیر مستقیم از بین بردند؛ حالا من نسبت نمیدهم، اقله ده‌ها هزار، [در صورتی که] یکی‌اش هم زیاد است - انسانها را در عراق از بین بردند. در افغانستان يك جور دیگر، شرکتهای آدم‌کشی و ترور را - که من یکی [از آنها] را يك وقتی در يك سخنرانی، اسم آوردم: شرکت معروف «بلك واتر» آمریکایی که کار آن آدم‌کشی است، ترور است - انداختند به جان مردم؛ همین گروه‌های تندرو افراطی آدم‌کش تکفیری را اول اینها راه انداختند که حالا در يك جاهایی کمانه کرده و به خودشان هم دارد میخورد. آمریکا يك چنین دولتی است. بحث سر ملت آمریکا و مردم آمریکا نیست، آنها هم مثل بقیه‌ی مردمنده؛ بحث سر رژیم آمریکا است، بحث سر دولت آمریکا است. چطور میشود این چهره را با برك و آرایش تغییر داد در مقابل چشم ملت ایران؟

خود ما ملت ایران چه کشیدیم؟ از زمان کودتای بیست‌وهشتم مرداد، نزدیک به سی سال، بیست و پنج شش سال، حکومت ظالمانه‌ی محمدرضا - از بیست‌وهشتم مرداد [سال] ۳۲ تا سال ۵۷ - و بعد هم از پیروزی انقلاب، مرتب آزار و اذیت و بدجنسی و خباثت نسبت به ملت ایران. حالا مردم تحریم اخیر را می‌بینند؛ اینها از اول انقلاب تحریم را شروع کردند. در اوایل انقلاب هرکس خواست علیه انقلاب يك کاری بکند، آمریکایی‌ها از او حمایت کردند. چپ بود، راست بود، نظامی بود، غیر نظامی بود، برایشان فرقی نمی‌کرد؛ هر کسی علیه نظام جمهوری اسلامی انگیزه‌ای داشت - در شکل قومیت‌ها، در شکل آدمهای گوناگون - هرچه توانستند، کمک کردند؛ آخری آنچه مردم به چشمشان دیدند، فتنه‌ی سال ۸۸ است. رئیس‌جمهور آمریکا با کمال وقاحت ایستاد و از فتنه‌گران در تهران حمایت کرد؛ حالا هم اخیراً دارند حمایت میکنند. فهرست بدکاری‌های این دولت اینها است. امروز هم خیلی از نیت‌های شومی که اینها پشت پرده داشتند و مکتوم نگه میداشتند، دارد بتدریج آشکار میشود. من امسال روز اول سال ۹۲ در مشهد در جوار مرقد ثامن الحجج اعلام کردم؛ گفتم من حرفی ندارم؛ بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر میکنند در قضیه‌ی هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمیکنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی‌درپی اظهارات سخیف آمریکایی‌ها را؛ سناتور بی‌آبروی آمریکایی از صهیونیست‌ها پول میگیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام میدهد. رؤسای کشورشان هم همین‌جور، در سطوح مختلف به ملت ایران [اهانت کنند]. البته تودهنی را روز بیست‌ودوم بهمن از مردم خوردند. یکی از علل اجتماع



گرم‌تر مردم امسال همین بود که مردم دیدند که چطور مسئولین آمریکا گستاخ، پرو، زیاده‌طلب، بددهن، بی‌ادب روبه‌رو میشوند؛ غیرت دینی مردم آنها را به میدان کشاند تا به دشمن بگویند: اشتباه نکن، ما هستیم. ملت ایران در این راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن به همه‌ی ما - به این حقیر، به مسئولین گوناگون، به زحمت‌کشانی که دارند در امور اداره‌ی کشور حقیقتاً زحمت میکشند؛ چه آنهایی که در باب سیاست خارجی کار میکنند، چه آنهایی که در باب سیاست داخلی کار میکنند - خواستند بگویند: خاطرتان جمع باشد، ملت ایران ایستاده است، در صحنه است، در مواجهه‌ی با دشمن احساس ضعف نکنید؛ یکی از پیامهای بزرگ ملت ایران این بود. این همان حرفی است که من اوّل امسال گفتم، بعد هم بارها - قبلها هم گفتم، بعدها هم گفتم - مکرّر گفتم که مسئله‌ی هسته‌ای بهانه است برای دشمنی؛ مسئله‌ی هسته‌ای هم اگر یک روزی - حتی به فرض محال - بر طبق نظر آمریکا حل بشود، باز یک مسئله‌ی دیگری دنبال آن می‌آید؛ الان ملاحظه کنید سخنگویان دولت آمریکا بحث حقوق بشر، بحث موشکی، بحث سلاح و مانند اینها را به میان آوردند. من تعجب میکنم، آمریکایی‌ها خجالت نمیکشند اسم حقوق بشر را می‌آورند. هرکس دیگری در دنیا ادعا بکند طرفداری از حقوق بشر را، دولتمردان آمریکا دیگر نباید این ادعا را بکنند، با این همه فضاختی که در کارنامه‌ی آنها نسبت به حقوق بشر هست. از صد رقم حرکت خلاف حقوق بشر آنها، شاید نود رقم، هشتاد رقم آن را مردم دنیا نمیدانند؛ همان ده بیست رقمی که میدانند، یک کتاب قطور سیاه است. زندان گوانتانامو را همه میدانند، زندان ابوغریب عراق را همه میدیدند، شرکت «یلک واتر» را همه دیدند، حمله‌ی به کاروانهای عروسی افغانها را دیدند، کمک به تروریست‌های نامدار که افتخار میکنند به تروریست بودن خودشان را همه دیدند، عهدشکنی‌ها را دیدند، دروغگویی‌ها را دیدند؛ همه‌ی دنیا اینها را دیده است، باز میگویند حقوق بشر و خجالت هم نمیکشند! واقعاً این مقدار وقاحت در رفتار اینها چیز عجیبی است.

من به شما عرض بکنم کاری که وزارت خارجه‌ی ما و مسئولین دولتی ما شروع کردند، ادامه پیدا خواهد کرد؛ ایران آنچه را قرار گذاشته است و عهد کرده است نقض نخواهد کرد. البته مسئولین تلاش خودشان را بکنند، کار خودشان را بکنند، اما آمریکایی‌ها با انقلاب اسلامی دشمنند، با جمهوری اسلامی دشمنند، با این پرچمی که شما مردم بلند کردید دشمنند و این دشمنی با این چیزها فرو نخواهد نشست؛ علاج مقابله‌ی با این دشمنی هم فقط یک چیز است و آن، تکیه‌ی به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت درونی کشور [است]. هرچه در این زمینه ما کار بکنیم، کم است.

آن روز هم گفتم (۳) ان شاءالله بزودی سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغ خواهد شد. علاج مشکلات کشور پیمودن راه اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی تکیه به درون. چشم را ندوزیم به دست دیگران؛ ما توانایییم، ما ثروتمندیم، هم ثروت انسانی داریم - نیروی انسانی ما در دنیا کم‌نظیر است، اگر نگوییم بی‌نظیر - [هم] ثروتهای زیرزمینی؛ ثروتهای ما فوق‌العاده است. دنیا به ما احتیاج دارد؛ به قدری که دنیا به ما احتیاج دارد، ما به دنیا احتیاج نداریم. امروز دنیا روی کاکل نفت و گاز میچرخد؛ ما در دنیا اوّل کشوریم در همه‌ی فهرست بلند کشورهای دنیا. این را من امسال در مشهد گفتم، با توجه به ذخایر نفت ما و ذخایر گاز ما، ما در دنیا اوّلیم. اخیراً مسئولین محترم دولتی برای من گزارش آوردند، ما از لحاظ گاز هم که دوّم بودیم در دنیا، امروز شدیم اوّل. امروز از لحاظ ذخایر گاز که ما تا چندی پیش - شاید تا یک سال، یک سال و نیم پیش - در رده‌ی دوّم قرار داشتیم، امروز در رده‌ی اوّل قرار داریم؛ این ذخایر ما است، دنیا به اینها احتیاج دارد. دیدید یک مقدار لبخندی مشاهده شد، شرکتهای خارجی هجوم آوردند؛ میخواهند بیایند، تا چه وقت میتوانند آمریکایی‌ها روی این لجبازی خودشان مقاومت کنند؟ اگر چنانچه ما بر روی توان خودمان تکیه کنیم، استقامت آنها در هم خواهد شکست؛ این را بدانند. تا وقتی که ما چشمانمان به دست دیگران باشد، دنبال این باشیم که کدام مقدار از تحریمها کم شد، کدام مقدار چنین شد، فلان حرف را فلان مسئول آمریکایی گفت یا نگفت - تا وقتی دنبال این حرفها باشیم - به جایی نمیرسیم. ما یک کشور بزرگ هستیم، یک ملت قوی هستیم،



ملت با فرهنگی هستیم، ملت با استعدادی هستیم، ثروت خدادادی هم الی‌ماشاءالله [داریم]؛ مسئولینمان هم خوشبختانه مسئولین دلسوزی هستند، دلشان می‌خواهد کار کنند، ما هم کمکشان می‌کنیم، دعایشان هم می‌کنیم؛ البته اصرار هم می‌کنیم که مسئولین هم به نیروی داخلی تکیه کنند؛ از مسئولین هم می‌خواهیم به مردم اعتماد کنند، به نیروی داخلی اعتماد کنند، سعی کنند این سرچشمه‌ی فیاض تمام نشدنی را در داخل، خروشان و فروزان و جوشان کنند؛ این اگر شد، همه‌ی درهای بسته باز خواهد شد. باید این‌جوری حرکت کنند، این‌جوری عمل کنند. و نیت ما نیت خدایی است؛ خدا را شکر می‌کنیم که هدف ما رضای الهی است و میدانیم که رضای الهی در پیشرفت این کشور و در سربلندی این ملت است دنبال این داریم حرکت می‌کنیم، خدا هم کمک خواهد کرد. همین‌طور که عرض کردم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ*؛ اگر شما نصرت خدا بکنید، یعنی نصرت دین خدا بکنید، دو نتیجه مترتب خواهد شد: اول «يَنْصُرْكُمْ»، خدا شما را یاری میکند؛ دوم «وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»، نمیگذارد شما مجبور به عقب‌نشینی بشوید. و بدانید به توفیق الهی اهداف آمریکا و استکبار جهانی نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و ملت ایران اهدافی است که دیر یا زود شکست خواهد خورد. و بدانید که ملت ایران پیروزی خود را در همه‌ی عرصه‌ها و زمینه‌ها در مقابل چشم بدخواهان و حسودان ان‌شاءالله جشن خواهد گرفت. و امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی شما مردم عزیز را - مردم تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان - و همه‌ی ملت عزیز ایران را مشمول عنایات و هدایت و دستگیری خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) حادثه‌ی نوزدهم دی

(۲) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

(۳) دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)